اقتراح



نگاه منتقد







نقدى برتلاش براى احداث جاده جنگل ابر

# ميراث چنددهه ساخت جادههاي مواصلاتي فلات ايران به شمال كشور

آن گونه که هســت میخواهد بلکه جز به لذت بردن

فسترده زمينها

چشم طمع پایتختنشینان به شمال آنها را به سوی

پ ۱۰۰ میلی مخرباین چنین می کشاند؟به جای

این که ورودی های مسافران انبوه را به منطقه کنترل

کنیم آیا افزایش این ورودی ها به نابودی باقی مانده

فرهنــگ و طبیعت شــمال منتهی نمیشــود؟ آیا

دولتهایی که از تغییر کاربری های زمین و در نتیجه



ساخت جادههای مواصلاتی به شــمال ایران، پایه تغییرات عظیمی در سر نوشت این منطقه بوده است. تاکنون از اثرات مثبتی که در اثر اتصال سواحل شمالی كشور به سرزمين واقع در جنوب البرز (فلات ايران) در أنٌ منطقه به وجود أمده سيخن بسيار گفتهاند اماً به ندرت نوشته ای در بررسی اثسرات منفی آن مشاهده کرده ام عموما در نظر کارشناسان فنی-از طیفهای مختلف فکری -ساخت جادههای کندوان، هراز، فيروز كوه و رشـت سمبل توسـعه و پيشرفت قلمداد شده و در ســـتایش آن بسیار گفتهاند. در نظر بسیاری، به دلیل محدودیت تکنولوژی در چند دهه پیش - صرفا به آیس خُاطر که ایسن کار در آن زمان نیاز به مدیریتی قوی داشته است-ساخت جادههای مواصلاتی به شمال در گذشته کاری ستودنی قلمداد شدہ اما اہداف و نتایج این کار کمتر مور د نقدو ہر رسے قرار گرفتهاست.اصولاپروژههای عمرانی صرفابامعیار عظمت، و «قدرت مدیریت» سنجیده می شوند و کمتر کسی به ارزیابی همزمان اثرات مثبت و منفی زیست محیطی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی آنها -مىپردازد. اصطلاح توسىعە پايدار'' غربىها متداول شــده تلاش دارد كه اثرات مثبت و ں محدود نشود. این دیدگاہ بعداز این به وجود آمد كه بعضى از متفكران غربي و شرقى متوجه اشتباه مسیر جامعه صنعتی به سوی تخریب میراث طبیعی و فرهنگی بشـر شـده و تلاش کردند از سرعت این بب بكاهند. اُز چند دهه پيش چنين بحثهايي آغاز شده و این نزاع نابرابر بین مدافعان توسعه صرف عه پايدار جريان داشته است. البته كساني كه به واقع در پی اصالتهای فرهنگی و طبیعی هستند هر گزاز کمی عده خود ترسی به دل راه ندادهاند.

«چه بســـا گروهی انــدک که به خواســت خدا بر رر کی گروهی بسیار پیروز شدهاند و خدا با شکیبایان است.» ۔ اکنون که اخبار مربوط به احداث جادہھای جدید

به شمال کشور -ازجمله جادهاستان سمنان بهاستان گلستان از مسیر جنگل ابر - به گوش می رسد جای آن دارد که عموم ملت ایران را با اثرات چنین اقدامهایی أشناكرده وراهحلي براى أن بينديشيم

باعث بهوجود آمدن جادههای مواصلاتی به آن شده

پهلوی اول، کسی بود که برای نخستین بار اقدام به ساخت حادمه ا جادههای اتومبیل رو به شمال کرد. بزر گترین انگیـــزه او که از کلمُاتش واضح اســت-بهر مبر داری . شینان از شــمال بود: «تهران» در مُجاورت امازندران، مانند مُفلسی است در همسایگی گنج طــالا در حالتی که مرکز ایران بــرای تهیه مواد اولیه ۱۲ فرسنگی آن یک ولایت پرنعمتی گسترده است ن به حدّ وفور در ً آن ذخيره شُده، لكنّ تنهامانع رسيدن أن كنج به اين مفلس سلسله جبال «البرز» است که چون دیواری عظیم ولایات شمالی را از فلات خشک ایران مجزی داشته و راه عبور و مرور را

این گونه تفکرات است که اقلیم یکر شیمال را نه

ننشينان به چيز ديگرى نمى انديشد چنين بود شمال دیگرزمینی برای کشاورزی باقی نمی ماند؟ سخنی بافرهیختگان شمال که جادههای معروف گیلان و مازندران احداث ش ناهمه چیز دستخوش تغییر شود. در شرق مازندران از چند دهه پیش تاکنون که جادههای مواصلاتی به مقصد شمال تأسیس شده است، در مجموع کمتر نه یک جاده که ۲ جاده هراز و فیروز کوه احداث شد ، ر ســالهای بعد-چنان که میدانیم-شمال کشور سود کردهاید و بیشتر ضرر دادهاید.این ضرر را نهتنها مرکزی برای خوشگذرانی اهالی پایتخت شد. ممکر با معیار های ملموس بلکه همچنین با معیارهای است خواننده تصور کند که بدون این حادهها، اهالی شمالرنگرفاه و آسُایش را به خُودنمی دیدند. اگرچه

ناملموس می توان سنجید. کمتر کسی به شمال به مانند گنجی نگریسته که می بایست برای خود شمالی ها استفاده شـود. متاسفانه اکثرا چشم طمع وجودراههای ارتباطی از شمال به مرکز ضروری است. اما واقعیت این است که اصولااین جادهها نه برای به ذخایر این خطه داشته اما پیشرفت شمال را بهانه کردهاند. چه تعداد از اهالی محترم شــمال کشور بااز شمالىهاكهبراىيهرممندى تهرانى هاساخته شدهأند سونه واضح آن - که اکنون به خوبی نیت گذشتگان را واضح می کند-احداث آزادراه(ا) تهران - شمال در مسیر تهران به چالوس است که نیاز مسافران کشور دست دادن زمینهای آبا و اجدادی خود به کارگران ویلاهای تهرانی ها در شمال تبدیل شدهاند؟ چقدر به شمال را مدنظر داردونه اهالي شمال را. مُكّر تعداد ساكنان غرب مازندران چه تعداد است كه نياز به ساكنان فعلى شمال بايد بار تورم هجوم مردم به اين منطقه را بر دوش بکشند؟ مگر چندد رصد شمالی ها ستّهانداز سسهمًى كه ازّ ايسن رهكّذر نصیبشان شده متمول شوند و اگر هم شدند به چه اکنون بعضے از مهم ترین تخریب های صورت گرفته سیبه سن سند تصور سوده و در مه سند؛ پ قیمتی آیا جز این است که بسیاری از همین متمولان جدید شمالی، سلامت جسمی و روانی خود را پای چنین در آمدهایی گذاشته اند؟ نگارنده اگرچه اصالتا های شمال رابر می شمریم: ۱-ازبین رفتن قسمت زیادی جنگل های هیر کانی ۲-آلودگی شدیدآبهای ساحلی دریای خزر ہ "ں ۔ نھرانے ,استاماخودسالھایطولانی در شمال کشور ۳-ترافیک سنگین جادهای و شهری . زندگی کرده لذا از چیزی می گوید که با آن مأنوس ۴-تورم كمرشكن درمناطق مسافر پذير شمال سـت.به یاد می آورم زمانی را که اکثرا در این منطقه ۵-از بین رفتن کشــتزارها و تغییــر کاربریهای درحال کار و تلاش واقعی (و درواقع تحرک جسمی) بعنی کشاورزی و دامداری بودند و اکنون بسیاری از آنها-چه فقیر چه غنی -بابیماریهای ناشــی از فقر ۶-گسترش اقتصاد دلالی به جای کار و تولید ۷-گســترش منازعات بی پایان میان اهالی بر سر ر کتی دست و پنجه نرم می کنند. آیا جز این است حرکتی دست و پنجه نرم می کنند. آیا جز این است که بسیاری از اهالی شــمال کشور تحت تأثیر هجوم ورودپولهای بادآورده به منطقه ر بری ب. رر . ۸- تولید و پراکندگی وسیع زباله و آلودگیهای ساكنان ساير مناطق ايران به منطَّقه شان-كهُ لاجرم متاسفانه چنین تفکراتی هنوز به کار خودادامه از جاده های آن گذشته اند-میراث آبا و اجدادی -فود را به تدریج از دسست دادهاند؟ شکی نیا میدهند.اکنون پروژههای زیر در حال انجام شما برای ارتباط با تهران و سایر مناطق ایران نیاز به -جاده جدید تهران -شمال (تهران -چالوس) تيدامااگر قرار بوداين جاد -جادەقزوين-الموت-تنكابن نياز شمارامرتفع كنندبايدمتناسب باحمعت شما -جادەقزوين-گيلان(خوشبختانەمتوقفشدە) جاده استان سـمنان به استان گلستان از مسیر مى بودند نه جُمعيت تهران! از زمان احداث اولين جاده مواصلاتی به شــمال بهانــه آور دهاند که به فکر آيابه واقع مردم شمال به چنين راههايي نياز دارنديا

گوشه از فرهنگ و طبیعت کشورشان بسان میراثی

مینگرند که باید حفظ شود-می توان دوباره شمالی

صل وباصفاساخت اگر جه به صبر زیاد نیاز دار د. شما

Pt 1 illi

به خطـر افتادن امنیت غذایی کشـور ابـراز نگرانی می کنند نمی دانند که با افزایش هجوم مسـافران به نافرهيختگان احداث شود شماحق داريد تأرفت وآمد كنترل شدهبه خطهتان راخواستار شويد شماحق دارید مانع پروژههای مخرب محیطزیست در شمال وید. شــما حق دارید تا نگذارید فرزندانتان بیش از این به بیمارهای جدید که سوغات توسعه ناپایدار . است -ازجمله سرطان افسار گسیخته -مبتلاشون

اهالی تهران در فشار طاقت فرسایی زندگی می کنند ته می مهران در مسار مسمد سرسیبی رسم می می سمت که تنها ظاهری از زندگی را با خسود دارد و چنان که همه میدانیمُ بیمارُیهای فَسراوانُ رهاوُردُ زندگی در این شهر است. نگذارید در نزدیکی تهران و در شمال زیبا، تهرانهای کثیف دیگری بسازند این همه جاده رابرای همین کار می خواهند؛ آگاه باشید. سخنى بأفره يختكان ساكن تهران نهران با همه مشکلاتی که دارد مسکن تعدادی از بزرگان علم، فرهنگ و هنر کشــُور اســت. مسکن تُعداُدى از فرهيختگان واقعيُ-ولو گُمنام - كه تمدنُ ايراني به وجود آنان نيازمند اسـت. من بهعنوان يک ۔ تهرانی مهاجر به شــمال کشــور، از این همه ظلمے که توسط ساکنان تهران بر شـمالیهامیرودرنج ی کشم. درست اســت که در بسیاری موارد، بعض ے اھالی شــماُل خود نیز مقصر چُنیــنَ وضعی بودہاند اما وظیفه شــما و ما این اســت دو طرف این تقصیر را - که در اتحادی نامیمون کمر به نابودی گوشــهای ر از کشورمان بســــــــــات - راهنمایی کنیم، قطعا همه شـــمااز وضع بغرنجی که شــهر تهران در آن گرفتار آمده آگاه بوده و هسر روز و هر ساعت از آن در رنج و عذابید. همه می دانیم که ساکنان تهران برای فرار از این اوضاع، مکانی نزدیک به خود را - که از سر تقدیر سرسبزمی کند-برای سفرو تفریحات نه چندان مفید خوُدانتُخاب كردهاند. شــرُحُ اشْتباهات اين مسافران انبوه - کهاز رهگذر چنین سفرهایی پرعذاب وبیهوده برای خودشان - در شــمال مرتکب میشوند مجال دیگری میخواهداما بهعنوان پیش آگاهی میگویر » رق کی گرار که مسافران شمال هیچچیزی جز خستگی و تکرار رفاه شمال هســتند ولی درواقع به فکر مطامع خود ملال أوربه دست نمي أورند. سخن من باشما فرهيختگان ساكن تهران اين . بودهاند شما بازنده چنین معاملهای بوده ایداما بدانید هنوز می توانید آنچه را که باقی مانده است نگه دارید. باكمك أن گروه از مردمان فرهيخته ايران-كه به هر

آري شما حقوق زيادي داريد كه بايديراي احقاق آنها

به وظایفتـــان عمل کنید مقدم بر همـــه آن وظایف

دعوت خود و دیگران به پرهیز از حرص و آز، راحت طلبی، تقلید و خودخواهی است. ایسن را بدانید که

است که نگذارید شــمال عزیز به همان سرنوشتی مبتلاشود که بر تهران -طی بیش از نیم قرن -رفته است. به همشهریان تهرانی خود با هر وسیله ممکن وبه هر میزانی که نفوذ دارید بقبولانید که شمال هم محل زندگی تعدادی از هموطنان ما است نه محل تفریح و گذر موقت. مگر همه ایران تهران است؟ مگر نه این که: همه جای ایران سرای من است؟ آیا کسی، باخانه خود چنین می کند که مسافران شمال با آن می کنند؟ به همه اهالی این کشور بفهمانید که ساخت جادههای منتهی به شمال دیگر کافیست. جادههای موجود برای رفت و آمداهالی شمال بسیار ِیاد است. به مهندســان و مُدیران این کشور ثابت کنید که شــمال دیگر گنجایش رفت وآمد اضافه بر این را ندارد. سفر به شمال را کم و کمتر بلکه متوقف كنيد تا اين منطقه نفس كشيده فرهنگ و طبيعت

\- Sustainable Development

## پرسشی درباره پیشنهاد رواج دادن ازدواجهای دبیرستانی در ایران

طرح نو – سارا شمیرانی | «ساده ترین کار این است که به جوان بگوییم، در س زندگی کرایگوییم مسئولیت داشته باشن و تو کل کن بر خدا. راحت است که توی حرف از جــوان بخواهیم که دل به در یا بزند و ســنت پیغمبر (ص) را اجرا کنــد اما اگر قرار بود همه مسائل با حرف زدن درست شــود که امر وز همه چیز گلستان بود.» این حرفها را محمدتقی فاضل میبدی در واکنش به گفتههای اُخیر حجْت الاسلام قراُلتی می زند. کسی که در آخرین سخنرانی اش گفته ،باازدواجهای دانشجویی مخالف است و ازدواجها باید دبير ستاني شود اوهم چنين گفته خانواده هانبايد به بهانه سربازي وسن كهونداشتن شغل ب و مدر ک، از دواج فر زندانشان را به تأخیر بیندازند.» این گفته ها در حالی مسب و بعدر در ادرونچ و بردادسان را به ناخیر بیندارند. و عکانها شاه نام در اختیا معنه دارخیا معرح میشود که بادر افزی سن از اجام از در ایس ستاد اقامه نماز و روحانی ای که مجروییت زیادی در بین گروههایی از مردم دارد مساللی را مطرح می کند که می تازند این از در این گروههایی از مردم دارد مساللی را مطرح می کند که می تازند این از می تازند از این از می تواند ند جامعه و جوانان باشد ؟ با اگر خانوادههااز اکثر شرایط خود چشب<sub>ال</sub>ویش کنند می توانند مشكل از دواج را در جامعه حل كنند؟ در همين زمينه باسه تن از اهالي حوزه هاي مختلف گفتو گو کردیم ونظراتشان راجویاشدیم.

#### عرف جامعه ازدواجهاي دبيرستاني رانمي پذيرد



🧢 محمدتقى فاضلميبدى

در مــورد گفتههــای اخیر آقــای قرائتی دو نکته به ذهنم می رسد که باید مطرح کنم اول این که ما باید قبول کنیم که سن ازدواج دس خود فرد نیست. خیلی بیشتر از آن چیزی که اراده فرد در آن دخیل باشد، شرایط اقتصادی و اجتماعی جامعه است که زمینههای ازدواج را فراهم مى كند. بەنظر مىرسد آقاى قرائتى به عنوان یک معلم اخلاق که همیشیه با کتاب سر و کار داشــتند، وضع موجود در متن کتاب را با متن جامعه از هم تمینز ندانند. آنچه که در کتابها به آن توصیه می شدود با آنچه كه واقعيت جامعه نشان ميدهد تفاوتي از نه واعیت جانعه نستان می مست عمونی ر زمین تا آسـمان دارد. بنابراین صرفا با توصیه و پند نمی تــوان جوانان را بــرای از دواج آماده کرد. این که ســـن از دواج تا حـــدی باید پایین ـت اسـت اما نمی توان به آن عمل کرد چراکه از دواج در جامعه امروز با احساس ت، شغل، مسكن و سياست خارجي در ار تباط است و بدون آنها نمی توان تصور کرد که جوانان بتوانند به راحتی زندگی تشکیل بدهند. امروز دیگر روزگاری نیست که ۶ خانواده با هم در یک خانه زندگی کنندو مسائلی مثل شغل و مُسكن مطرحُ نباشد. در قراًن هم، در كنار نماز، روزه و عبادت به مسأله اقتصادی تأكید زیادی شُده اُست. پیامبر(ص) احادیث زیادی در این زمینه دارد که تمامی آنها به این مضمون اشاره

دارد که وقتی وضع اقتصادی مناسب نباشد، رد وهی و حصدی در این مشکل می شدود. حالا این سروال مطرح است که امروز با کدام اقتصاد و براساس چه پشتوانه ای باید جوانان را به ازدواج زود تشويق كنيم؟ اكر قرار بأشد شرطهايي مثل شغل مناسب و مســکن هم برای از دواج مطرح نشود که ما بعدا با پدیدهای به نام طلاق روبهرو می شویم که به مشکلات بیشتر جامعه

دومیت نکته هم مربوط به عرف جامعه ی شود که با گفتههای آقای قرائتی مغایر است. ما نمی توانیم براساس عرف جامعه سن ازدواج را تا حد دبیرستان پایین بیاوریم. سن ازدواج را شرع مشخص نكرده كه برايش قانونى داشته باشیم. یک زمانی در دوره پیغمبر(ص) دختران ۹ ســاله ازدواج می کردند، اما هُمین امروز براساس عرف و حتی قانون، ازدواج دختر زير ۱۳ سال قانونى نيست و به رس نمی شـود. پس در نتیجه نمی توان براسـاس یک حکم کلی گفت که ازدواج چه زمانی باید اتفاق بیفتد یا بهطور قطعی بگوییم که ازدواج در سنین دبیرستان حتما مناسب است. عرف امروز جامعه چنین چیــزی را نمی پذیرد. پس بهنظر می رسد به جای توصیههای اخلاقی، نیاز اســـت تا کارهای عملی تر هم انجام شود. مثلا سیاست خارجی ما اصلاح شــود یا راهی برای سرمایه گذاریهای جدی در کشور ایجاد شود تا در کنار آن شغل برای جوانان فراهم کنیم و با مشُكلات اقتصادى كمتر جوانان را به سم . ازدواج به موقع تشویق کنیم.

## تا 21سالگی هویت از دواج شکل نمی گیرد



وقتی یک مسأله اجتماعی مهم مطرح می شود باید تمام ابعاد آن در نظر گرفته شدود. در مسأله از دواج نیز ما باید توجه کنیم که این امر مقدس، تنها تحت شعاع نیاز جنسی قرار نگیرد. ما در دورههای مختلف خواستههای متفاوتی داریم. نُلادر موردشغل ممكن است در دوراُن كودكي یک شغُلیٌ را دوست داشته باشــیم و در دوران نوجوانى به كارهاى ديگرى فكر كنيم و درنهايت دُر ۲۴ سالگی شغلی راانتخاب کنیم که هُم برای مامناسب تر است، هم آینده ما را تأمین می کند

و هم با علاقه ما جور در می آید. هویت شغلی ما درنهایت در بزر گسالی شکل می گیرد.از دواج نیز چیزی شبیه به همین مسأله است. تا ۲۱ سالگی ر" کامل را ندارد و شناختها از یکدیگر اصولی نیست پس مطمئنا از دواج در دوران دبیرستان نمى تواند توصيه مناسبي باشد كه ما به جُوان ها ارایه دهیم. هر چیزی زمان خود را دارد که دیر و زُودانجام شٰدنُ أَن هُر كُدامٌ ميُ تواُند أُسي جدی هم به فرد و هم جامعــه وارد کند. همان اندازہ کے ازدواج دیر مناسب نیا ر ری ..ر -----بیست ر دواج زودهنگام هــم می تواند آ ســیبهای جدی به جامعه وفردوارد کند.

### 17میلیاردتومانبرای حل مشکل ازدواج درنظر گرفته شده است



سن گفتههای حجت الاسلام قرائتی، ا نخواندم برای همین هــم نمی توانم دقیق نظر بدهُم که منظور ایشان از این که سن از دواج . بايد تا حد دبيرُســـتان پايين بيايد چي أنچه مسلم استاين كه همه روى مسأله پايين . ـ یی حسم روی مسانه پایین آمدن سن از دواج توافق نظر دارند. بهترین سن برای از دواج بین ۱۸ تا ۲۴ سـالگی است واگر ما بتوانیم شرایط را طوری ایجاد کنیم که جوانان . ترین از در این سن ازدواج کنند گام بزرگی برای جوانان برداشتهایم. انگشت شمارند جوانانی که اگر همه شرايط رابرايشان مهيا كنيم باز هم از ازدواج امتناع كنند. امروزه مسأله سربازی، ، مسكن و شـغل ازجمله اُساسى ترين مشكلات

راارایه کرده که امیدواریم زودتر در صحن مطرح شــود. یکی از این طرحها این اســت که دولت باید خانههای کوچکی را بسازد تا جوانهایی کـه در دوران دانشــجویی ازدواج می کنند در این خانههای سازمانی زندگی کنند و مشکلی ئىتە باشند. يا پسرھايى كە متأهل ھستن به سربازی می روند به اندازه یک نظامی کادری حقــوق دریافت کننــد برای همیــن طرحها ١٢هزار ميليار دتومان درِ نظر گرفته شده تابتوان به صورت جدى اين مسأله را حل كرد. به هر حال این واُقُعیت است که حرف تُنهار اه چُاره ن نیاز است تا کارهای جدی تروعملی تری از سمت دولت و مجلس برای جوانان انجام شود این کار مى تواند بهانه ها را كمتر كند و سن از دواج, اتا حدىمعقول پايين بياورد